

پدیدارشناسی تکفیر گرایي و ارزیابی امنیتی آن

احمد مزینانی^۱

عبدالحسین خسرو پناه^۲

چکیده

نگارنده در مقاله حاضر از طریق بازخوانی و بازفهمی جریان تکفیری در جهان اسلام، این پدیده را برآمده از اندیشه‌های افراطی و متحجرانه ابن تیمیه حرّانی در قرن هفتم هجری و تحلیل نوسلفی‌گرایی افراطی سید قطب از نظام‌های سیاسی اوایل نیمه دوم قرن بیستم و دیدگاه‌های نظری ابوالاعلی مودودی در باب جهاد می‌داند که به دلیل حمایت و پشتیبانی قدرت‌های جهانی از یک‌سو و حمایت حاکمان اُسره‌ای و دوده‌ای منطقه خلیج فارس از سوی دیگر، به یک پدیده سیاسی - امنیتی تبدیل شده است.

مفروض مقاله حاضر با تکیه بر روش زمینه‌ای - پیمایشی، آن است که پدیده تکفیر گرایي دربرگیرنده دو رهیافت دیوبندی ارهابی در شبه‌قاره هند و وهابی ارهابی در جهان اسلام است و این جریان به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های فکری و رفتاری خاص همچون: ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران، دشمنی شدید با سایرین، افراطی‌گرایی در خشونت و... دارای تصلب گفتمانی و رفتار سلطه‌جویانه شده است. بنابراین، این پدیده در دسته‌بندی‌های موجود از منظر امنیتی در ذیل گفتمان سلبی نگر با ایده سلطه‌طلبانه قرار می‌گیرد. این پدیده بین «خود» - تکفیرگرایان - با «دگری» - محور مقاومت و سایرین - مرزبندی انحصاری و سخت‌گیرانه قائل می‌شود، به همین دلیل ارزیابی امنیتی تکفیر گرایي معاصر در چارچوب ترکیبی از طریق طرح ایده اعمال حداکثر قدرت، فرآیند غیر مشارکتی امنیت سازی، فرقه‌گرایی مرجع امنیت، منافع جزئی نگر، و از منظر شاخص مشارکت قشری گرا و نوع فعالیت دارای رویکرد پاک‌سازی و نسل‌کشی است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان امنیتی، ارزیابی امنیتی، تکفیر گرایي، وهابی، دیوبندی

۱- نویسنده مسئول و مدرس دانشگاه امام حسین(ع) و دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- رئیس پژوهشکده حکمت و فلسفه ایران و دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی Akhosropanah@yahoo.com

مقدمه

به دنبال فروپاشی سامانه ایدئولوژیکی سوسیالیسم که پایان رقابت سیاسی و نظامی دو بلوک قدرت شرق و غرب را در پی داشت، شاهد هستیم که اغلب معادلات امنیتی طی سه دهه اخیر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از حوزه سیاسی و نظامی به عرصه دانش و آگاهی کوچ نموده‌اند. به‌گونه‌ای که بر اساس ادعای آلون تافلر و جوزف نای عصر تقابل برآمده از رقابت سیاسی - نظامی بر سر منابع کیمیا کسب حداکثر ثروت به سوی کسب «حداکثر دانایی» و کسب «حداکثر اطلاعات» در عصر ارتباطات و اطلاعات منتقل شده است. (نظامی پور و مزینانی، ۱۳۹۱: ۵)

پیش‌فرض نگارنده این است که فرآیند انتقال کانون توجه از عرصه سیاسی - نظامی به عرصه دانایی و آگاهی، تحت تأثیر تحولات ناشی از انقلاب اسلامی جابجایی نوینی را بشارت می‌دهد، بدین معنا که انتقال کانون‌های مولد قدرت در مرحله اول از حوزه‌های سیاسی - نظامی با هدف کسب سرمایه و ثروت مبتنی بر رقابت دو ابرقدرت، به حوزه دانش مبتنی بر دانایی و آگاهی و در ادامه از حوزه دانایی و آگاهی به حوزه قابلیت‌های فرهنگی انتقال یافته است. با این اوصاف می‌توان ادعا کرد که رقابت‌ها، تعارض‌ها و تقابلات امنیتی بیش از آن‌که ماهیت سیاسی - نظامی و یا دست‌یابی به قابلیت‌های علمی رسیدن به حداکثر توانایی داشته باشد ماهیتی فرهنگی برای اثبات توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای هویتی بشر عصر جدید دارد.

ملاحظات از قبیل وجود ظرفیت‌های خاص گرای هویتی، قومی - قبیله‌ای، وجود رگه‌هایی از ایدئولوژی‌های متصلب و تحجری با رویکرد فرقه‌ای و مذهبی، پایین بودن ظرفیت‌های دانشی و تحصیلاتی گروه‌های مختلف اجتماعی مانند: زنان و جوانان، بیکاری و فقر و حاشیه‌نشینی در کنار عدم ایفای نقش سازنده مردم در مناسبات قدرت، وجود حکومت‌های اقتدارگرا و خانواده‌ای متمکن، دخالت مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های فرا منطقه‌ای، وجود کانون‌های توطئه منطقه‌ای نظیر رژیم صهیونیستی و... باعث ظهور و گسترش پدیده افراطی و تکفیری، به عنوان یک پدیده امنیتی در منطقه خاورمیانه - به عنوان یک منطقه با بار مضاعف فرهنگی به نسبت سایر مناطق ژئوپلیتیکی جهان - بازتاب تلافی و تعارض هویتی حوزه‌های فرهنگی نظیر نظام خاندانی شبه‌جزیره عربستان، نوع‌مانی‌گرایی ترکیه، تفکرات اخوانی رادیکالی، باورهای جهادی شبه‌قاره هند و.. شده است.

در این میان دو حوزه «فرهنگ سلطه‌طلب غریزه پایه» لیبرال سرمایه‌داری غربی - به عنوان برنده منازعه دو ابرقدرت در قرن بیستم - با محوریت ایالات متحده آمریکا از یک‌سو و «فرهنگ سلطه ستیز مقاومت پایه» با محوریت انقلاب اسلامی به عنوان دو کانون مولد اقتدار هویت پایه دارای نقش برجسته

هستند.^۱ بنابراین نگارنده ایجاد، ظهور، تجهیز و گسترش جریان‌های «افراطی»^۲ و «تکفیری»^۳ در دوره معاصر را نتیجه تدابیر امنیتی نظام سلطه‌طلب و عملکرد قدرت جویانه دولت‌های منطقه به عنوان دنباله‌های نظام سلطه در منطقه می‌داند که با هدف مهار کشورهای مستقل و مقاوم عضو محور مقاومت اعمال می‌شود. با این اوصاف مهم‌ترین چالش ذهنی نگارنده در این نوشتار، فهم ماهیت و گونه‌های پدیده تکفیر گرایی به عنوان یک جریان ضد فرهنگی و ارزیابی امنیتی آن در قبال سایرین به ویژه محور مقاومت است. بر این اساس با تکیه بر چارچوب تحلیل ترکیبی، ضمن بازخوانی سیر تحول و تطور جریان تکفیری ارزیابی امنیتی این پدیده ارائه خواهد شد.

۱- تمهیدات مفهومی و ابتناء نظری

۱.۱- مفهوم شناسی:

سیر تحول در مطالعات امنیتی حاکی از صعب و سخت بودن کاربرد واژه امنیت است، مگر آن که قبل از هر تحلیلی ابعاد ذهنی، نظری و کاربردی آن مورد توجه و تأمل قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر، واژگان را باید جزئی از واقعیت محسوب و به درستی تبیین نمود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۴۰) به همین خاطر است که برای دستیابی به واقعیت «پدیده‌های امنیتی» در «مطالعات امنیتی» نیازمند فهم مناسب از مفاهیم محوری هستیم. بنابراین، نگارنده با هدف تبیین و تحدید حدود و ثغور معانی «ارزیابی امنیتی» ضمن کالبدشکافی «امنیت» به عنوان مفهوم محوری چارچوب قابل اتکا در «ارزیابی امنیتی» را معرفی می‌نماید.

۱.۱.۱- امنیت:

به دلیل تعلق واژه امنیت به حوزه مطالعات علوم انسانی و مطالعات مرتبط با علوم سیاسی و گستره نامحدود کاربرد معنایی، محققان در ارائه تعریف جامع و مانع علمی از امنیت با چالش بدهت معنایی مواجه هستند. به همین دلیل تاکنون بیش از ۱۵۰ تعریف از امنیت ارائه شده است. در مجموع تعاریف مذکور در دو دسته سلبی و ایجابی قابل تجمع هستند. (افتخاری، ۸۰: ۱۳۹۱)

۱- مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای در مورد دو گفتمان «توین اسلامی» و «جاهلیت» می‌فرمایند: «گفتمان جاهلیت امروز که گفتمانی ظالمانه، زورگویانه، متکبرانه و خودخواهانه و از جانب قدرت‌های سلطه‌گر جهان است، در مقابل گفتمان اسلامی قرار دارد که طرفدار عدالت، آزادی بشر و از بین رفتن زمینه‌های استثمار و استعمار، و نابودی نظام سلطه است.» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام - ۱۳۹۴/۰۲/۳۰)

2. Intemperate.
3. Atheismlist.

الف. گفتمان سلبی: در این گفتمان معنا کاوی امنیت تحت تأثیر چالش‌های پیشرو نظام‌های سیاسی و در سنجش میزان عدم وجود تهدید نسبت به ارزش‌های قابل حفاظت، مهم و حیاتی جامعه قابل فهم است. بر این اساس امنیت عبارت‌اند از: «وضعیتی که در آن منافع بازیگر یا از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر - هدف - وجود داشته باشد.» (همان: ۸۱)

ب. گفتمان ایجابی: در گفتمان ایجابی به جای تمرکز بر میزان تهدید، نگرشی نرم افزارانه بر عینیت‌ها رجحان یافته و میزان «رضایت» معیار فهم امنیت قرار می‌گیرد. بنابراین در رویکرد ایجابی، امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بین «خواسته‌ها» - یعنی مجموع نیازهای بازیگر و «داشته‌ها» - پاسخ‌های حاکمیت به خواسته‌ها - در یک واحد سیاسی معین، متناسب با «ضریب ایدئولوژیک» - ارزش‌هایی پذیرفته شده پیشینی فرد یا جامعه برای چشم‌پوشی از خواسته‌ها - آن واحد، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران - آن واحد - «تولید رضایت» می‌نماید. (همان: ۸۴-۸۳)

۱.۱.۲ - تکفیر گرایی:

تکفیر در زبان عربی مصدر واژه «کفر» است و «عبدالغنی ابوالعزم» از لغویان معاصر در «معجم الغنی» می‌نویسد: «تکفیر نسبت دادن شخصی به کفر و او را کافر به حساب آوردن است.» (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳) بنابراین «حکم به بی‌دینی کسی دادن» (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۴۰) را تکفیر گویند. و تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر، مشرک و منافق می‌شمارند. آنان مسیحیان و یهودیان کافر، شیعیان را مشرک و پیروان اهل سنت که مخالف مرام و مسلک ایشان هستند را منافق قلمداد می‌کنند. (باقری چوکامی، ۱۳۹۳: ۳۱) «تکفیر گرایی» نیز می‌توان نامی عام و جامع برای وهابیت و برداشت و قرائتی ناراست و انحرافی از اسلام توصیف کرد. تفسیری که بر اساس آن هرکسی که باورهای یکسان با تکفیرگرایان ندارد، باید حذف فیزیکی شود. (اسماعیلی، iwpeace.com) بنابراین می‌توان تکفیر گرایی را چنین تعریف کرد: «تکفیر گرایی عنوانی است متصف به سلوک رفتاری افراد یا گروه‌های فرقه‌گرا که برخلاف معیارهای شرعی شناخته شده، سایرین را به دلیل مخالفت با ایدئولوژی خودشان، با استفاده از روش‌های خشن و تهاجمی نفی و طرد می‌کنند.»

۱.۱.۳ - ارزیابی امنیتی:

ارزیابی امنیتی عبارت است از: تعیین ارزش امنیتی یک پدیده از طریق شناخت روابط بین پدیده مورد نظر با وضعیت ایمن. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۸۴)

۱.۲- چارچوبی تحلیلی

ارزیابی یک پدیده امنیتی درگرو شناسایی گونه‌های اثرگذاری آن بر «وضعیت ایمن»^۱ است که در رویکرد «ایجابی» با شاخص «رضایت» و در رویکرد سلبی با شاخص «تهدید» شناسانده می‌شود. با این حال، درک مناسبات بین پدیده موردنظر با وضعیت ایمن، بدون داشتن یک الگوی تحلیلی ممکن نیست. به همین خاطر، لازم می‌آید در اینجا الگوی پیشنهادی برای چگونگی تحلیل مناسبات بین «تکفیر گرایی» با «وضعیت ایمن» مطرح و بر اساس آن گونه‌های اثرگذاری (اعم از فرصت ساز یا تهدید ساز) شناسایی شود. چارچوب‌های تحلیلی موجود را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود. نخست «چارچوب‌های تک عاملی» که در آن یکی از عوامل «نظریه، ساخت یا ساختار» به عنوان محور تحلیل مدنظر است؛ دوم چارچوب‌های ترکیبی که در پی تحلیل گونه‌ای ارتباط با استفاده از دو یا سه عامل محوری هستند. (همان: ۳۸۵-۳۸۴)

۲.۱- چارچوب‌های تک عاملی

مجموع رویکردهای تحلیلی تک عاملی موجود را می‌توان در سه گروه اصلی هویت انگاران، ساختارگرایان و کارکردگرایان دسته‌بندی نمود. ملاک این دسته‌بندی نوع شاخصی است که برای ارزیابی امنیتی از سوی هر یک از این تحلیل‌گران پیشنهاد شده و به‌مثابه محوری اصلی برای چارچوب تحلیلی پذیرفته شده است.

اول، هویت انگاران: این دسته به دلیل تکیه بر «هویت» به‌مثابه موضوع امنیت، الگوهای تحلیلی‌اش مبنای فرهنگی پیدا می‌کند که توسط اندیشه‌گرانی چون «ایمانوئل آدلر»^۲ و «میشل بارنت»^۳ تبیین و ارائه شده و متعاقباً در «مکتب کپنهاگ» به اوج رسیده که محصول آن ارائه نظریه «امنیت اجتماعی»^۴ است. دغدغه اصلی این گروه تکیه بر شأن نظری امنیت سازی است. (همان: ۳۸۵)

دوم، ساختارگرایان: مهم‌ترین دغدغه این گروه از اندیشمندان امنیتی، ثبات ساختاری و حفظ قدرت حاکمه است که بر اساس این دیدگاه چگونگی کنترل جریان قدرت شاخص اصلی «امنیت - ناامنی» قرار می‌گیرد. در این خصوص می‌توان به الگوی پیشنهادی جامع «لوسین پای»^۵ و همکارانش با رویکرد جامعه‌شناختی به مسئله بحران (پای و دیگران، ۱۳۸۰) برای شناخت کانون‌های ناامنی و نحوه مقابله با آن‌ها و

1. Safe Situation.
2. Imanuel Adler.
3. Michael Barnett.
4. Security Community.
5. Lucian Pye.

الگوی تحلیلی معروف به «آشوب»^۱ «جیمز روزنا»^۲ که به دلیل «عدم انتظام» و «پراکندگی‌اش» (روزنا: ۱۳۸۴، ۱۳۰-۷۷) در بردارنده تلقی‌ای تازه و متفاوت از امنیت و ناامنی است پرداخت. از حیث تاریخی نیز الگوی تحلیلی پیشنهادی «باری بوزان» - با عنوان «فضای آنارشیک»^۳ - بر کلیه الگوهایی از این قبیل اولویت دارد که در آن نبود یک قدرت متمرکز و محوری در نظام بین‌الملل، به عنوان عامل اصلی در بروز ناامنی‌های ساختاری معرفی شده است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۹۹-۱۷۱) تأمل در ملاحظات بالا حکایت از آن دارد که پرسش از چگونگی و روش تأمین امنیت، دومین دغدغه مهمی است که از سوی ساختارگرایان مورد توجه قرار گرفته است. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۸۶)

سوم، کارکردگرایان: مهم‌ترین شاخص اندیشه‌گران کارکردگرا اولویت «اهداف»^۴ در قیاس با ساخت‌ها یا آرمان‌ها است و به همین خاطر است که امنیت و یا ناامنی را نسبت به تحقق یا عدم تحقق «اهداف»، فهم و تعریف می‌نمایند. به رغم اشتراک نظر کارکردگرایان فلسفی با «واقع‌گرایی»^۵ در درک ناامنی، این گروه از منظر تأکید بر «اهداف» تا «روش‌ها»، از «ساختارگرایان» متمایز می‌شوند. دغدغه اصلی تحلیل امنیتی کارکردگرایان «نتایج» و «پیامدهای» امنیتی است. (همان: ۳۸۷)

۲.۲- چارچوب ترکیبی

با توجه به این که هر یک از الگوهای پیشنهادی، بخشی از واقعیت مربوط به امنیت را به بحث می‌گذارد، در این نوشتار محقق با اتکا به الگوی پیشنهاد چارچوب ترکیبی که مؤلفه‌های «هدف»، «نظریه» و «روش» را به صورت هم‌زمان در تحلیل ارزش امنیتی به بحث می‌گذارد، این الگو را انتخاب و مبنای تحلیل خود قرار می‌دهد. جامعیت این چارچوب مهم‌ترین دلیل این‌گزینهش است. در این چارچوب، سطوح و مؤلفه‌های تحلیل هر پدیده امنیتی عبارت‌اند از: (همان: ۳۸۹-۳۸۷)

۲.۲.۱- سطوح

مطابق رویکرد جامع، «امنیت» پدیده‌ای سه‌وجهی ارزیابی می‌شود و مرکب از سه سطح تحلیلی است:

1. Turbulance.
2. James Rosenau.
3. Anarchy.
4. Ends.
5. Realism.

سطح ۱. ایده امنیت: منظور از «ایده»^۱ آن بخشی از «امنیت» است که از چپستی «امنیت» سخن گفته و بُعد ذهنی آن را نزد مخاطبان سامان می‌دهد. «ایده‌ها» در ارتباط با «آرمان‌ها» هستند و به همین خاطر است که «انتزاعی» بوده و نرم‌ترین بخش یک پدیده امنیتی را شکل می‌دهند که در قالب «نظریه‌های امنیتی» تجلی می‌یابد.

سطح ۲. منافع امنیت: «منافع» را می‌توان بین دو حوزه ذهن و عین و واقع در مرز آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی تلقی کرد. به عبارت دیگر، «منفعت» به دلیل ویژگی دوگانه‌ای که دارد می‌تواند به بازتعریف آرمان در چارچوب مقتضیات زمانی و مکانی منتهی شده و بدین ترتیب، امکان انتقال آن‌ها را به «درک عمومی» میسر سازد.

سطح ۳. فیزیک امنیت: منظور از «فیزیک امنیت» بخش عینی امنیت است که معمولاً در دو بُعد بررسی می‌شود؛ نخست ملاحظات ساختاری که به نحوه سازمان‌دهی و ارتباط درونی عناصر اصلی و اثرگذار در امنیت سازی مربوط می‌شود. دوم روش‌های اجرایی که بازیگر برای تحقق امنیت و صیانت از آن یا جهت مقابله با ناامنی از آن‌ها بهره می‌برد. بر این اساس فیزیک امنیت دارای ابعاد سخت‌افزاری (چون سازمان، منافع و ...) و نرم‌افزاری (چون نحوه ارتباط، ضوابط و قواعد ارتباطی و رفتاری و ...) است (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۱۶-۲۹۱)

۲.۲.۲ - مؤلفه‌ها

در چارچوب سطوح سه‌گانه مذکور، می‌توان مؤلفه‌های اساسی ارزیابی امنیتی را شناسایی و معرفی نمود: مؤلفه اول) از نظریه امنیت ایجابی تا امنیت سلبی:

بررسی دو گفتمان امنیت سلبی و ایجابی در بخش اول همین مقاله حاکی از تکیه امنیت سلبی بر «قدرت محوری» و تکیه امنیت ایجابی بر «رضایت محوری» در تعریف امنیت است. بنابراین هرچه ایده امنیت به سمت «رضایت‌مندی» تمایل یابد، ماهیتی ایجابی؛ و هرچه به سمت «قدرت‌محوری» گرایش پیدا نماید، «ماهیتی سلبی» می‌یابد. دو گزاره راهنما برای این مؤلفه عبارت‌اند از:

گزاره ۱. ایده «قدرت» به سخت‌افزاری شدن «امنیت» و زمینه‌سازی برای ظهور هژمونی که وضعیت امن را موقعیتی مبتنی بر سکون ترسیم می‌نماید، منتهی می‌شود. از این حیث «قدرت‌محوری» فرآیندی منفی در ارزیابی امنیتی است که به دلیل اصالت منفعت‌گرایی، مرجعیت قدرت و نسبیت‌گرایی ارزشی^۲ به همراه رادیکالیزه شدن فضای امنیتی از یک سو است و از سوی دیگر بی‌اعتباری روش‌های مسالمت‌آمیز در

1. Idea.

۲- نقل از مورگنتا.

حل و فصل مخاصمات، رشد گرایش‌های رادیکالی در عرصه مدیریت امنیتی و افزایش هزینه‌های امنیتی و کاهش میزان اثرگذاری آن‌ها در بعد زمان را در پی دارد. که مجموع این ملاحظات دلیلی برای ارزیابی منفی از ارزش امنیتی این ایده در عرصه عمل و نظر است.

گزاره ۲. ایده «رضایت» به نرم‌افزاری شدن امنیت و مشارکتی شدن فرآیند امنیت سازی دلالت دارد. بنابراین، می‌توان آن را فرآیندی مثبت در تحولات نظری و عملی امنیت به شمار آورد. این فرآیند محصول «مشارکت جمعی و رضایت خاطر بازیگران» و با تکیه بر «مساوات»، «عدالت»، «حمایت»، «مشارکت» و ... است که اقبال به «رضایت‌مندی» برای امنیت سازی را مؤثرتر و ضروری‌تر نمود. از این منظر، تأکید بر رضایت‌مندی، سیاستی مثبت در ارزیابی امنیتی به شمار می‌آید. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۸۹)

مؤلفه دوم) منفعت، ملیت و جامعه جهانی:

طرح رویکرد انتقادی به دیدگاه «دیوید کلینتون»^۱ که از منظری آسیب‌شناسانه، «منافع ملی» را نزد برخی از تحلیل‌گران مفهومی «غیر دموکراتیک»، «غیر عقلانی»، «کهنه و منسوخ» که از انطباق لازم با شرایط متحول جهانی - به ویژه در فضای جهانی شدن - برخوردار نیست، شمرده است. (کلینتون، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۹۴) این مؤلفه باعث طرح مفهوم «منافع مشترک بشری»^۲ شده است که مرجع امنیت در آن از حد ملی فراتر رفته و به دغدغه‌ها و خواسته‌های انسانی ناظر شده است. به عبارت دیگر، امنیت به جای قرار گرفتن در قالب ملی، رنگ «انسانی» به خود می‌گیرد. (توماس، ۱۳۸۲) بدین ترتیب دو گزاره راهبردی تازه مطرح می‌شود:

گزاره ۳. مرجعیت افراطی منافع ملی - و منافع گروهی و قومی - به تصلب الگوهای امنیتی فراملی و آسیب‌پذیری آن‌ها از ناحیه واکنش‌های منفی محیطی، منتهی می‌شود که محصول آن بروز بحران در شبکه ارتباطی بین بازیگران و افزایش اقبال به افراطی‌گرایی، تکوین کانون‌های تهدید، به خطر افتادن سایرین و تصلب امنیت است.

گزاره ۴. مرجعیت منافع مشترک بشری به تعدیل راهبردهای امنیت ملی و افزایش ضریب ایمنی برای کل بازیگران کمک می‌نماید. وضعیت نامطلوبی که در مقابل شرایط نامطلوب ذکر شده در ذیل گزاره بالا (گزاره سه) آمد، «اهتمام به منافع مشترک بشری» است. مبنای این منطق، نقد «جزئی‌نگری» - فرقه‌گرایی تکفیری - و درک ماهیت شبکه‌ای جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم.

1. David Clinton.
2. Common Human Intrests.

مؤلفه سوم) تهدید، ترور و مشارکت:

آخرین مؤلفه‌ای که در این الگوی تحلیلی از امنیت باید به آن توجه کرد، «فیزیک امنیت» است که به دلیل تحول شرایط حاکم بر اوضاع بین‌المللی، به شدت متحول شده است. این تغییر در دو لایه قابل شناسایی است: نخست، سازمان‌های امنیتی به دلیل طرح مقولات تازه‌ای از قبیل تهدید نرم، تهدید نامتقارن، اولویت یابی منابع قدرت نرم در تولید تهدید در قیاس با منابع سخت‌افزاری و سنتی؛ دیگر نمی‌توانند به شکل بسته (مخفی و با عملکرد محدود انسانی) به حیات خود ادامه دهند. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها به دلیل توسعه فضای عملیاتی، پیچیده شدن آن و به ویژه نفوذپذیری آن‌ها به خاطر رواج فناوری‌های نوین (گیلو، ۱۳۸۸: ۶۲-۴۷)؛ نیازمند نوعی مشارکت عمومی شده‌اند که اقتضای اصلاح و ارتقای سازمان‌های امنیتی و تبدیل شدن به «سازمان‌های باز و مشارکتی» را دارد. دیگر آن‌ها که روش‌های تولید امنیت و ناامنی متأثر از شرایط جهانی شدن و توسعه فناوری‌های نوین، متحول شده و شاهد طرح مقوله مهمی چون ترور هستیم که به کانون اصلی تولید ناامنی در مقطع حاضر تبدیل شده است. ویژگی ترورهای جدید و نفوذ آن‌ها در بطن سیاست و جامعه، مانع از آن می‌شود که از تحلیل این روش جدید تولید ناامنی بتوان به سادگی گذر نمود؛ چنان‌که شاهد بروز حساسیت‌های امنیتی تازه‌ای برای بسیاری از پدیده‌های طبیعی و روزمره (چون بهداشت محیط، بیکاری، روابط اجتماعی و ...) تحت تأثیر پدیده منفی «امنیتی شدن پدیده‌ها»^۱ می‌باشیم که حکایت از آن دارد که جهان معاصر به شدت استعداد تولید ناامنی را دارد.^۲ با این توضیح می‌توان دو گزاره را به عنوان مؤلفه‌های اصلی در این بخش استنتاج و مدنظر قرار داد:

گزاره ۵. پیش‌گیری و مقابله با تهدید در جهان معاصر بدون کاربرد الگویی مشارکتی در بخش سازمان‌های امنیتی میسر نیست. این گزاره معرف وضعیت مطلوب (مثبت) امنیتی است که با شاخص‌های هم‌فکری معمولاً شناسانده می‌شود. در نقطه مقابل و برای وضعیت نامطلوب (منفی) امنیتی قرار دارد.

گزاره ۶. امنیتی نمودن فضای سیاسی - اجتماعی جامعه با استفاده از ابزارهای فناورانه نوین، به فعال شدن کانون اصلی تولید ناامنی در هر دو سطح داخلی و خارجی منجر شده و روشی ضد امنیتی ارزیابی می‌شود. مصداق بارز این وضعیت شبکه‌های تروریستی - مانند تکفیر گرایی - هستند که از این رهگذر به تجمیع توانمندی‌ها و ایراد ضربه به بازیگران مختلف می‌پردازند. گروه‌های رادیکال مانند جریان تکفیری روش امنیت سازی را متحول ساخته و به تقویت و ترویج روش‌های تروریستی کمک می‌کند. پدیده‌ای

1. Securitization.

۲- کاستلز (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: جامعه شبکه‌ای*، فصول سوم تا پنجم.

مذموم که نه تنها اعضای دارالفکر، بلکه بسیاری از کشورهای حوزه دارالاسلام را تهدید می‌نماید. به عبارت دیگر، از بنیادگرایی - تکفیر گرایی - نه تنها به توسعه ترور در خارج از جهان اسلام، بلکه در درون آن منجر می‌شود که پدیده‌ای با ارزش ضد امنیتی مضاعف ارزیابی می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۹۱-۳۸۹)

مجموع ملاحظات تحلیلی ارائه شده در این بخش را می‌توان در جدول شماره (۱) و در قالب شش گرایش اصلی امنیتی خلاصه نمود. بر این اساس، می‌توان بازیگران را از حیث راهبرد امنیتی آن‌ها ارزیابی نمود و در دو دسته (با عملکرد منفی یا مثبت) جایابی نمود؛ یک گروه از طریق تأکید بر اصولی از قبیل تمرکز، پنهان‌کاری، منافع خرد و سلبی‌نگری، فضای امنیت ملی و فراملی را ملتهب و آسیب‌پذیر می‌سازند و گروه دوم بالعکس، با ظرفیت‌سازی از طریق مشارکت و همکاری، توسعه نگرش ایجابی و محوریت بخشیدن به ارزش‌های انسانی و فراگیر، به تقویت فضای امنیت ملی و فراملی کمک نمایند. (همان: ۳۹۵-۳۹۴)

جدول ۱: ملاحظات تحلیلی امنیتی

مؤلفه ارزش امنیتی	ایده (نظریه)	منافع (هدف)	فیزیک (روش)
مثبت	رضایت محوری	منافع مشترک بشری	سازمان‌های باز در فضای سیاسی / اجتماعی (همکاری)
منفی	قدرت محوری	منافع ملی / خرده ملی	سازمان‌های بسته در فضای امنیتی شده (انحصار)

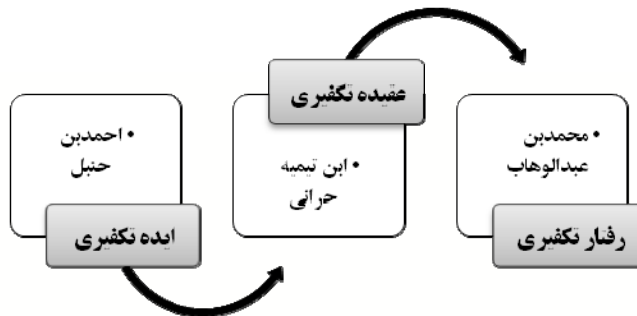
۳- جریان شناسی پدیده تکفیری

۳.۱- تکفیر از ایده تا رفتار:

به رغم این که در گفتمان مشهور جهان اسلام واژه سلف یادآور صحابه، تابعان و محدثان بزرگ قرون اول و دوم است اما کارشناسان در موضع فهم «سلفی گرایی» دارای دیدگاه‌های متکثر و متنوع بسیاری هستند. در این میان درک نادرست منتقدان از رابطه میان وهابیت به عنوان مهم‌ترین نماد معاصر تکفیر گرایی و رابطه آن با سلفی گرایی بر پیچیدگی و دشواری تحلیل این موضوع افزوده است.

بررسی ریشه‌های تاریخی نشان می‌دهد که، سلفیان افراطی و تکفیرگرایان در قرن چهارم هجری ظهور کردند و از حنبلیان بودند و چنین می‌پنداشتند که تمام آرایشان به امام احمد بن حنبل منتهی می‌شود. سپس در قرن هفتم ظهور تازه یافتند و ابن تیمیّه حرّانی آن را دوباره زنده کرد و در ادامه در قرن دوازدهم هجری در شبه جزیره عربستان، محمد بن عبدالوهاب این اندیشه‌ها را احیا کرد که وهابیان همچنان تا امروز

منادی این افکارند. (ابوزهره، ۱۳۸۴: ۳۱۲-۳۱۱) به همین دلیل ابن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب سه ضلع مثلث تکفیر گرایي محسوب می‌شوند. (عمار، ۱۳۹۳: ۱۲۰) بنابراین می‌توان گفت که، پدیده مذکور سیر تکاملی از ایده تکفیر به عقیده و سپس رفتار عمل‌گرایانه دارد که با سیر در تاریخ تفکر افراط و تکفیر می‌توان نظریه‌های فقهی - کلامی احمد بن حنبل را منبع ایده افراطی - تکفیری و نظریات و آثار کلامی - جدلی متعصبانه ابن تیمیه حرّانی را مهم‌ترین منشأ عقیدتی و ایدئولوژیکی، و در ادامه عینیت بخشی نمادین را در عمل‌گرایی سیاسی - افراطی محمد بن عبدالوهاب به کمک قدرت نظامی محمد بن سعود و در ذیل حمایت سیاسی امپراتوری بریتانیا دانست که به گفته پرفسور حامد الگار تا قبل از تحولات سیاسی منجر به ظهور القاعده در پایان قرن بیستم، حداقل ۴۰۰ هزار نفر قربانی در شبه‌جزیره حجاز، عراق و... بر جهان اسلام تحمیل نموده است. (الگار، ۱۳۸۷: ۱۱) این روند تکامل تاریخی جریان تکفیری از ایده به عقیده و رفتار ابتدا از تا اوایل قرن نوزدهم میلادی در نمودار شماره (۱) به تصویر گذاشته شده است.

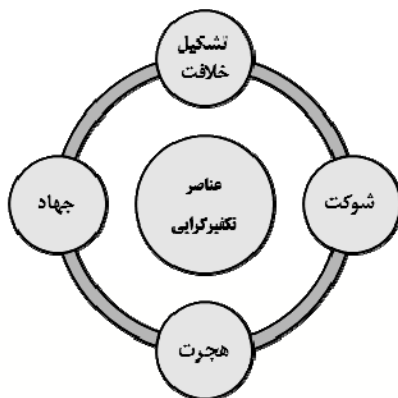


نمودار ۱: روند تکامل تکفیر گرایي از ایده تا رفتار

پس از قرن نوزدهم طیف گسترده‌ای از مکاتب فکری - اعتقادی دارای مشی اصلاحی، تبلیغی، افراطی، تکفیری و ارهابی خود را سلفی می‌دانند که در برخی موارد باورداشته‌ها و رفتارهای آنان حتی بر خلاف مشی سلف صالح^۱ مورد ادعایشان است. هرچند پدیده تکفیر حاصل و محصول نگرش فقهی - کلامی افراطی است اما این جریان ریشه در باورداشته‌های اندیشه‌ورزان سلفی به معنای امروزی دارد که گفتمان خود را در هاله‌ای از ادبیات متحجرانه قومیت‌گرای پان عربیسم، بر چهار عنصر «جهاد، شوکت، هجرت و

۱- نسل اول، دوم و سوم از اصحاب پیامبر اعظم(ص)، شامل خود صحابه، تابعین و تابعین آنها که حدود دو قرن اول هجری را شامل می‌شود.

تشکیل خلافت» استوار نموده است. در این گفتمان «جهاد» به عنوان توجیه‌کننده شرعی اعمال (پاشاپوری و اولاری، ۱۳۹۳: ۱۳۴)، «شوکت» - تهاجم و درهم کوبیدن سایرین با شعار «النصر بالغلب» - با هدف مدیریت توحش در میدان عمل (هانی، ۱۳۹۳: ۴۵۴)، «هجرت» فرصتی بر کسب منافع مادی و غیرمادی (فیرحی، ۱۳۹۳) و آرمان‌شهر «تشکیل خلافت»^۱ برای احیای عظمت گذشته است. (بردی نشین، ۱۳۹۳: ۲۲۹) این عناصر چهارگانه که در تصویر شماره (۲) به نمایش درآمده است، به عنوان پشتوانه ایدئولوژیک گذشته نگر، توجیه‌کننده عمل‌گرایی افراطی و جهت دهنده جریان تکفیری و موتور محرک سرمایه‌های انسانی آن محسوب می‌شود.



نمودار ۲: مهم‌ترین عناصر تکفیر گرایی در عصر جدید

۳-۲- از نوسلفی‌گرایی تا تکفیر گرایی:

واژه سلف نخستین بار در مطبوعات مصر مطرح شد؛ آنگاه که مصر مستعمره قدرت‌های اروپایی بود و گروهی از مصلحان مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی (م. ۱۳۱۶ ه.ق) و شیخ محمد عبده (م. ۱۳۲۳ ه.ق) در مقابل هجوم فرهنگ غرب و گروهی که فریب فرهنگ غربی را خورده و بیشتر در آن هضم شده بودند، تصور کردند که راه‌هایی از چنگ اشغالگران این است که مردم را به همان اسلام پیشینیان و اصیل دعوت کنند. بنابراین شعار «سلفیه» برای اعلام پیروی از اسلام نخستین بود. (البوطی، ۱۴۱۱: ۲۳۳-۲۳۲) اما این گروه از اندیشمندان در بیان دیدگاه‌های خود تحت لوای سلف، به دلیل راهبرد «پرهیز از انشقاق در جامعه اسلامی» هرگز در سیاست اعمالی و اعلامی خود راه افراط نپیموده و نیت تکفیر دیگران را نداشتند. بنابراین سلفی

۱- به عنوان نیاز کهن مسلمانان سنی و بازآوایی برپایی مجدد از مدل خلافت امویان و عباسیان در عصر جدید.

گرایی به معنی حقیقی - رجوع به داشته‌های اسلامی پیشین - را بایستی دستاورد تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش، یا رویکرد «نوسلفی‌گرایی» مابعد سید، دانست که با تمرکز بر واژه «سلف» به دنبال پاسخ‌گویی به مطالبات جدید ناشی از تهاجم فرهنگی غرب بودند.

بسط اندیشه ضد استعماری سید جمال‌الدین اسدآبادی، باعث آشکار شدن نتایج مصیبت‌بار سلطه قدرت‌های سلطه‌گر در کشورهای جهان سوم و اسلامی و زمینه‌ساز ظهور جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری شد. اما به دلیل مقاومت این قدرت‌ها و رژیم‌های استبدادی در برابر خواسته‌های این جنبش‌ها، شرایط برای تکوین و رشد «واکنش‌های افراطی»^۱ مهیا شد. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۲-۳۶۱) در ادامه با تداوم دخالت قدرت‌های سلطه‌طلب غربی در منازعات منطقه‌ای از طریق تجزیه کشورهای اسلامی، استعمار سیاسی - اقتصادی، تحقیر فرهنگ و ارزش‌های بومی، حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری و... روند افراطی‌گرایی شدت بیشتری یافت و در ادامه زمینه تبدیل افراطی‌گرایی به تکفیر گرایی فراهم‌تر شد. (موسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۳: ۱۵) با این وجود سه متغیر مهم اثرگذار و تسهیل‌کننده زیر در تشدید روند تبدیل افراطی‌گرایی به تکفیر گرایی نقش ویژه ایفا می‌کنند. این سه متغیر نشان می‌دهد که یک «پروژه برنامه‌ریزی‌شده و مدیریت شده» وجود دارد که در آن «برنارد لوئیس» و «ریچارد هاس» انتظار ظهور «بازیگران آشوب» همچون داعش - به عنوان نماد عینی تکفیر گرایی - را سال‌ها به انتظار نشسته بودند. (کاظم زاده، ۱۳۹۴: ۳۲۴-۳۲۵) این سه متغیر عبارت‌اند از:

۱- ترویج ایدئولوژیکی وهابیت: پیوند افراطی‌گرایی با ایدئولوژی متحجرانه و کج اندیشهانه مفتیان متعصب و متحجر وهابی شبه‌جزیره حجاز که مخالفان خود را بدان علت که مانند آنان نمی‌اندیشند مشرک، کافر و مهدورالدم می‌دانند. (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۱) این پیوند با پشتوانه منابع مالی و رسانه‌ای دولت سعودی از یک سو و فقر و جهل جامعه اسلامی از سوی دیگر باعث سرعت در تکثیر ایدئولوژی وهابیت در جهان اسلام شد.

۲- تدابیر نوظهور راهبرد امنیتی «جنگ نیابتی» آمریکا در منطقه: این تدبیر پس از آن‌که که دولت آمریکا نتوانست در عرصه سیاسی - امنیتی به اهداف راهبردی خود برای مواجه با محور مقاومت در منطقه دست یابد، اتخاذ شد. آمریکایی‌ها به موازات محدودسازی شیعیان و محور مقاومت در کشورهای منطقه،

۱- منظور از واکنش افراطی طرح نظریه‌ها و ارائه رفتارهایی است که به صورت متصلب و یک‌جانبه تعریف شده‌اند و در مقام شکل‌گیری از توجه به ابعاد و یا لایه‌های مختلف پدیده موردنظر، غفلت ورزیده‌اند و به دلیل برخورداری از اصولی همچون یک‌سونگری، جزمیت، خشونت و آرامش خاطر در کاربرد خشونت، عموماً به عنوان «پدیده مذموم» و «ضد امنیتی» تلقی می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۲-۳۶۱)

تلاش کرده اند سطح جدیدی از تعارض و رویارویی راهبردی را با ایران و محور مقاومت به وجود آورند. این الگوی رفتاری آمریکا که رویکرد «درگیری در حوزه پیرامونی» در برابر ایران و محور مقاومت است موج جدیدی از «درگیری سازی» و «تعارضات امنیتی» را به دنبال داشته است. (موسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵) این راهبرد در واقع تکمیل‌کننده پازل رقبای منطقه‌ای محور مقاومت - کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و... - در انتقال منازعات از فضای سیاسی به حوزه فکری بوده است. گروه‌های فعال شده در برابر محور مقاومت به دلیل «جهالت و خباثت»،^۱ و برخورداری از «افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی»^۲ عملاً زمینه‌ساز موفقیت راهبرد آمریکا در منطقه شده‌اند.

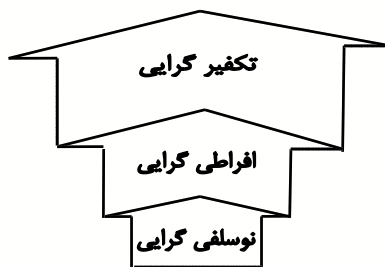
۳- ایفای نقش سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی: پیچیدگی و پنهان‌کاری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی باعث پنهان ماندن دست این بازیگران مهم و مؤثر در تحولات سیاسی - امنیتی مانند ظهور تکفیر گرای به عنوان یک پدیده ضد امنیتی شده است. اما نوع عملکرد این گروه‌های تکفیری در پر کردن خلأ قدرت نظام سلطه در برابر محور مقاومت نشان‌دهنده وجود تدابیر پنهانی این سازمان‌ها است. در همین زمینه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی می‌فرماید: «سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده‌نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست، اما رؤسایشان می‌دانند.» (۱۳۸۵/۱۰/۱۸)

با این استدلال، مفروض نگارنده در این بخش آن است که هرچند سلفی‌گری و سلفی‌گرایی محصول عمل‌گرایی مسلمانان در دوره معاصر و در پاسخ‌گویی به چالش‌های برآمده از تسلط فرهنگ و گفتمان مادی‌گرایانه و غریزی غرب است که از دوره فعالیت‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش، بدین سو رونق گرفته است، اما به دلیل تزریق اندیشه‌های افراطی به درون جنبش‌های پسا سید جمال از اعتدال خارج شدند و در ادامه به دلیل تدابیر سیاسی - امنیتی جبهه مشترک غرب، عبری و عربی به یک رویکرد ضد شیعی و محور مقاومت تبدیل شدند. این مفروض ضمن به چالش کشیدن ادعای نوسلفی‌گرایان امروزی، معتقد است هرچند نوسلفی‌گرایی در ابتدا با رویکرد ارجاع مصلحانه به سلف آغاز می‌شود ولی در ادامه با استحاله معنایی و مصداقی از تاریخ متأخر مصلحانه خود فاصله گرفته، با برجسته کردن اندیشه‌های

۱- این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای این‌ها نادانی است، اگرچه در آن‌ها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت این‌هاست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)
 ۲- تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه‌ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۶)

مثلت تکفیری - ابن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب - و در ذیل تدابیر امنیتی راهبردی نظام سلطه بازیگر «درگیر سازی امنیتی» محور مقاومت و شیعیان، قرار گرفته است. بنابراین روند تغییر مذکور سه موج پی‌درپی را شامل می‌شود که موج اول با «نوسلفی‌گرایی»، آغاز و در موج دوم به «افراطی‌گرایی» و درنهایت در موج سوم به «تکفیر گرایی» منتهی می‌شود. این امواج سه‌گانه در درون خود حامل رویکردها و رهیافت‌های متفاوتی است.

با این اوصاف نگارنده معتقد است؛ هرچند مکتب فکری سلفیت نوین و به‌تبع آن جریان تکفیری دارای ریشه سلفی بوده‌اند، اما به دلیل این‌که مدعیان آن از حداقل دانش و آگاهی مذهبی و اعتقادی برخوردارند و اغلب تحصیل کرده رشته‌های فنی هستند^۱، حتی دانش اسلامی سید قطب و ابوالاعلی مودودی - به عنوان نظریه‌پردازان نوسلفی‌گرایی و افراطی‌گرایی - محصول تلاش شخصی آن‌ها و بازخورد تعلیم نهادهای سنتی است. (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۲۹۳) به مرور با رسوخ مبانی نظری افراطی و تکفیری مبتنی بر عقل ستیزی، رادیکالیسم روشی، توده‌ای سازی جهاد و عمل‌گرایی، از نظریات سلف - به معنای اصلاحی آن - فاصله گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که حتی در این مسیر تکفیریون، بسیاری از سلفیون را موردت‌هاجم نرم و سخت خود قرار داده‌اند. به تعبیر دیگر اینان با اتخاذ مواضع کج اندیشانه و تاجرگرایانه از اصالت سلفی‌گرایی خارج و تحت مدیریت امنیتی نظام سلطه ضمن درنوردیدن افراط‌گرایی به سوی تکفیر گرایی رفته‌اند و عملاً مرزهای سلفی‌گرایی را پشت سر نهاده‌اند. در مجموع روند مذکور در تصویر شماره (۳) به نمایش گذاشته شده است. که پرداختن کامل‌تر به روند مکتب فکری سلف و تبیین رویکردها و رهیافت‌های جدید آن نیازمند مجال دیگری است.



نمودار ۳: روندشناسی تحول مکتب فکری سلفیت نوین (از نوسلفی‌گرایی تا تکفیر گرایی)

۱- یک بررسی میدانی از ۸۰۰ متهم القاعده در زندان‌های ایالات متحد آمریکا نشان می‌دهد که تمامی افراد در سن ۲۵ سالگی به مذهب روی آورده‌اند، فاقد حداقل تحصیلات مذهبی بوده‌اند و عمدتاً در رشته‌های مهندسی و پزشکی تحصیل کرده‌اند. به همین دلیل به محض برخورد با متون دینی به سمت تهیه نقشه و یافتن اصول عمل‌گرایانه می‌روند. (مرکز تحول نیروی وزارت دفاع آمریکا، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین چهره منتصب به افراطی‌گرایی سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶) است که تأثیراتی کاملاً متفاوت را در حوزه نوسلفی‌گری معاصر بر پیروان متعدد و متنوع خود گذارده است. این تأثیر تا آنجا است که از کتاب «معالم فی الطریق» سید قطب، به عنوان مانیفست افراطی‌گرایی رادیکال نیز تعبیر می‌شود. (kepel, 2002: 27-31) نظر به این که «قطب» زندگانی پر از تغییر و تحولی را تجربه کرده، آموزه‌های فکری او نیز یک دست ارزیابی نمی‌شود، اما در این میان «بنیادگرایی افراطی‌گرایانه» را می‌توان غایت اندیشه قطب قلمداد نمود، چرا که مربوط به دوره آخر زندگی او بوده و در همین دوره است که «معالم فی الطریق» را تحریر می‌نماید. از حیث زمانی سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ در زندگی سیاسی افراطی‌گرایی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ چون به رادیکال شدن اندیشه و عمل سیاسی قطب منجر گردید. (مرادی، ۱۳۸۴: ۲۵۴-۲۲۹)

سید قطب تحت تأثیر آموزه‌های «ابوالاعلی مودودی» اصول افراطی‌گرایانه را به اندیشه اسلامی تزریق نمود که از اصل «بازتولید جاهلیت» به عنوان مهم‌ترین آن‌ها یاد می‌شود. (رجایی، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۴۱) به گمان او جهان امروز جهان جاهلیت مدرن است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۴۰) و شرط گذر از وضع موجود به وضع مطلوب تشکیل حاکمیت الهی است و این حاکمیت در دو مرحله به وقوع می‌پیوندد؛ نخست پیشتازان امت پدید می‌آیند که گروهی اندک و متمایز هستند، و جدا از سبک زندگی دیگران، الگوی پیشنهادی خود را بر مبنای اسلام اصیل بنیان می‌گذارند. سپس رشد کرده و توسعه می‌یابند و از طریق «جهاد» دیگران را به این الگوی زندگی وارد می‌سازند و در نهایت حاکمیت الهی شکل می‌گیرد. «شمشیر» در کنار «کتاب» - در این روش - نقش برجسته‌ای دارد و باعث شده تا رادیکالیسم پیشنهادی قطب «فعال»^۱ وصف شود و کاربرد خشونت را توجیه‌پذیر کند. به همین دلیل در نظر سید قطب «کاربرد زور برای رفع و دفع فساد از جامعه یا سرکوب محاربان الهی» اولویت و ضرورت می‌یابد. (عنايت، ۱۳۶۲: ۱۲۴-۱۱۹) مثال بارز این ادعا اندیشه و عمل «عبدالسلام فرج» - رهبر و بنیان‌گذار سازمان الجهاد - است که در اثر خود «الفريضة الغاييه» - واجبی که از نظرها دور مانده - به ارزش راهبردی جهاد برای تحقق حاکمیت الهی تأکید نموده و برنامه عملی خود را برای کاربرد زور ارائه نموده است.

در مجموع بعضی از منتقدین معتقدند اندیشه افراطی جریان تکفیری جماعات سلفی و جهادی تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی سید قطب به وجود آمده است. (پاشاپور بووالای، ۱۳۹۳: ۱۲۷-۱۲۶) با این توصیف سید قطب و مودودی را می‌توان افراطی رادیکال دانست که در وجه نظری با توجیه خشونت و رادیکالیسم،

اصالت هدف، فعالیت سیاسی و مرزبندی با جهالت، زمینه‌ساز ظهور افراطی‌گرایی منجر به تکفیر‌گرایی شده‌اند.

۳.۳- گونه شناسی تکفیر‌گرایی:

چنان‌که ذکر شد، واقعیت نوسلفی‌گرایی در دوره معاصر حاکی از آن است که این پدیده در چند دهه گذشته از طریق پیوند خوردن با رویکردهای سیاسی و اتخاذ افراطی‌گرایی فعال تعارضی و تهاجمی از مرز نوسلفی‌گرایی جدا و عرصه افراطی‌گرایی را درنوردیده و در نهایت به «تکفیر‌گرایی» رسیده است. بنابراین این جریان بیش از آن‌که ماهیت اعتقادی داشته باشد ماهیت سیاسی - اجتماعی دارد. (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

ویژگی‌های ایدئولوژی نوسلفیان تکفیر‌گرا به خوبی بازتاب‌دهنده نگرش و رفتار آنان در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان امروز است. مهم‌ترین ویژگی نوسلفیان عبارت‌اند از: تبعیت از سلف صالح، تمسک به ظواهر نصوص قرآن و سنت، تأکید بر نقل و مخالفت با علم و دانش جدید و توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲: ۶). بنابراین برداشت «افراطی» این مدعیان از مفاهیم عقیدتی چون «شرک، هجرت، جهاد و خلافت» زمینه‌ساز عبور از بسیاری از خطوط قرمز سلفی‌گرایی سنتی شده است. چرا که سلفیان قدیم، خود را مقید به تبعیت از سلف صالح می‌دانستند. درحالی‌که سلفیان نو، مرز زمانی و عقیدتی صحابه و تابعین را شکسته و افکار خود را بیشتر به افکار و آرای ابن حنبل و ابن تیمیه مستند ساخته‌اند.

تکفیر‌گرایی به عنوان محصول اندیشه تکفیر در دوره معاصر، با استفاده از پوشش سلفیت و اعمال رفتارهای افراطی‌گرایانه، برای بسیاری از جوامع اسلامی و غیر اسلامی به یک پدیده سیاسی - امنیتی و تهدید زا بدل شده است که بیش‌ترین تأثیر منفی را بر سرمایه اجتماعی - اعتبار، منزلت و اعتماد - جهان اسلام گذاشته است. این روند با تسلط گفتمان تکفیری در نهایت به برجسته شدن «ایده اعاده خلافت» منتهی شد که عملاً نگرش خود را فدایی ایده قدرت‌طلبانه درون جهان اسلام نموده که محصول نهایی آن ارائه چهره خشونت‌بار از رفتار تکفیری داعش «دولت اسلامی عراق و شام» است.

به منظور درک ماهیت فکری و تهدیدات امنیتی متصور از رویکرد تکفیری می‌توان مراحل تکاملی این جریان را که مهم‌ترین مراحل خروج آنان از اعتدال سلفی و اندیشه افراطی و افتادن در رفتار تکفیری است شامل سه مرحله عقل‌ستیزی، رادیکالیسم روشی و عمل‌گرایی دانست. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۹-۳۶۷) با توجه به این مراحل، و مبانی فکری و نمادهای رفتاری تکفیر‌گرایی در جهان اسلام، می‌توان مجموعه جریان تکفیری را به دو رهیافت تقسیم می‌کرد. این دو رهیافت عبارت‌اند از:

۳.۳.۱ - رهیافت دیوبندی اَرهابی:

شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴/۱۱۷۶ق) معاصر تسلط امپراتوری استعماری انگلستان در شبه‌قاره هندوستان و محمد بن عبدالوهاب در شبه‌جزیره حجاز است. او به عنوان عالم نقش‌بندی حنفی مبدأ رویکردی نو در اندیشه اهل سنت شبه‌قاره محسوب می‌شود که تأثیرات مهمی در تحولات سه قرن اخیر داشته است. مهم‌ترین دلیل بروز اندیشه‌های او را بایستی در نقد گرایش‌های عاطفی‌گرایی صوفیانه به دین دانست که باعث تمرکز اندیشه او به مراجعه مستقیم به قرآن و حدیث و عدم توجه به فتاوا و ادله فقها شد و گرایش نوسلفی در هند را رواج داد. (نظرات) شاه ولی‌الله با تأثیرپذیری از ابن تیمیه برای مخالفت با شیعه را می‌توان در «رساله التوحید» او دید. (نجفی، ۱۳۷۷: ۱۵۸-۱۴۶) تفکرات او توسط فرزندش شاه عبدالعزیز و شاگردش سید احمد بارلی یا بریلوی (م. ۱۲۴۶ ه.ق) ادامه پیدا کرد. این تفکر بعدها توسط شاگرد افراطی او «احسان الاهی ظهیر» توسعه فراوان یافت و در تاریخ معاصر به دیوبندی - به علت تأسیس مدرسه دینی توسط مولانا محمدقاسم نانوتوی در سال ۱۲۸۳ ه.ق در روستای دیوبند هند- مشهور شد. گسترش زیاد مدارس دیوبندی‌ها با کمک دولت پاکستان - ۸۹۳۴ مدرسه رسمی تا ۱۹۹۵ - باعث تربیت حجم قابل‌توجهی از طلاب دینی با گرایش افراطی شد. در این گرایش فکری واژه «جهاد» از جمله مهم‌ترین واژگان مورد توجه در فقه حنفی دیوبندی است که برآیندی از کلام ماتریدی - اشعری و تصوف چشتی - نقش‌بندی محسوب می‌شود. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۱)

در این میان تأثیرپذیری از مکتب دیوبندی، نگاه سطحی اثباتی و افراطی به جهاد از یک‌سو و نقد بنیادین و براندازانه نسبت به مکاتب رقیب از سوی دیگر، برخی از متفکران شبه‌قاره - مانند مودودی - را به توجیه‌گر «پیکارجویی» و «خشونت» در لوای «جنگ مقدس» با ابعاد فکری - عملیاتی نموده است. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۷۲-۳۷۱) تولید و اشاعه «فلسفه تروریسم» با توجیه «جهاد» در شبه‌قاره، عملاً باعث خروج بخشی از جریان دیوبندی از تعادل شبه سلفی به سوی رفتار افراطی اَرهابی^۱ مبتنی بر تکفیر شده است که محصول آن ظهور تعداد زیادی «جنبش‌های افراطی و پیکارجویی» و «سازمان‌های رادیکال» شده است. (خسروی، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۱)

افکار و اندیشه‌های دیوبندی اَرهابی از طریق پیوند خوردن با اندیشه وهابی در پاکستان و شبه‌قاره که به سبب فقر و جهل، نیاز شدیدی به منابع سرشار مالی شیوخ متحجر و حاکمان اُسره‌ای (خاندانی) و دوده‌ای (نسلی) (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۵۲) جنوب خلیج‌فارس به ویژه آل سعود دارند، منشأ بسیاری از

۱- منظور از اَرهاب در اینجا به معنی رعب آفرینی مبتنی بر تخریب، خشونت و... است. (نک: هانی، ۱۳۹۳: ۴۵۶)

افراط‌گرایی‌های اربابی معاصر تحت پوشش ارتداد، کفر، شرک و مهدورالدم شمردن پیروان سایر ادیان و مذاهب به ویژه شیعیان، توسعه دشمنی، افراط در اعمال خشونت و... در شبه‌قاره هند و انتقال آن به سایر مناطق هم‌جوار شده است. آنان در پاکستان با تکیه بر شعارهای افراط‌گرایانه همچون پاکستان یک کشور سنی، شیعیان اقلیت غیرمسلمان، قطع رابطه با کشور شیعی ایران (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۶) باعث شکل‌گیری گروه‌های تکفیری اربابی ضد شیعه و ضد جمهوری اسلامی مانند: سپاه صحابه - لشکر جهنگوی - سپاه محمد در پاکستان، جند الله به رهبری عبدالمالک ریگی - جیش النصر به رهبری عبدالرئوف ریگی - جیش العدل و... شده است که دارای کارنامه سپاه در کشتار افراد بی‌گناه از طریق اقدام نظامی مستقیم یا بمب‌گذاری و عملیات انتحاری هستند به گونه‌ای که شرط عضویت در برخی از آنها مانند سپاه صحابه ترور یک تا سه شیعه است. (بیگری، ۱۳۸۱: ۳۵)

۳.۳.۲- رهیافت وهابی اربابی:

بخشی مهمی از رهیافت‌های افراطی گرایانه معاصر تحت تأثیر وهابی‌گرایی ولی با پرچم نوسلفی‌گرایی است. این ره‌یافت نتیجه پیوند پندارهای شبه معنوی محمد بن عبدالوهاب ایدئولوگ وهابیت در شهر عیینه با قدرت سیاسی محمد بن سعود حاکم شهر درعیه در صحرای نجد است که در قرن نوزدهم به دلیل ضعف ساختار حکومتی عثمانی از یک طرف و تدابیر راهبردی سیاسی امپراتوری بریتانیا از سوی دیگر، موفق به توسعه سلطه بر شبه‌جزیره حجاز شدند.

محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ ه.ق) جنبش تکفیری خود را با شعار تأمین خلوص دینی آغاز نمود و به زعم خود بر آن بود تا با بازگشت به اسلام اصیل و پیراستن آن از کلیه اضافات و بدعت‌ها به این مهم نائل شود. تفسیر وهابیت برآمده از اندیشه محمد از قدرت و پیوند آن با توسعه‌طلبی آل سعود، وهابیت را از جوهره اصلی مورد ادعایش در پیرایه زدایی عاری ساخته و به جای ترویج «رحمت» به عنوان جوهر زندگی اجتماعی اسلام، به ظهور «خشونت» و «تحمیل» در رفتار ظاهرگرایانه دینی رهنمود کرد.

وهابیان در حجاز در دوره معاصر که با ترکیب اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب و افکار سید قطب که توسط شاگردش «سلمان العوده» و از طریق گسترش افکار «ابوالاعلی مودودی» در مصر و خاورمیانه موجه جلوه می‌نمود، با اتهام کفر، سر ناسازگاری با کشورهای اسلامی - مانند ایران، لبنان، عراق و سوریه - که در آن‌ها شیعیان دارای اقتدار هستند و یا مقاومت را به عنوان رویکرد سیاسی خود برگزیدند، گذاشتند. البته باید در نظر داشت که وهابیان عربستان - اعم از مفتیان و حاکمان سعودی - در عین انتقادات جدی و تخاصم

کلامی به شیعه در زمینه توسل، تکریم اهل قبور و... ولی در حوزه نظری و عملی - حداقل در عرصه آشکار - خواهان حذف فیزیکی شیعیان و تهاجم مذهبی نبوده و نیستند. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۸۲-۳۸۱)

در مجموع وهابیت امروزه به عنوان یک رویکرد شیعه ستیزانه (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۳۸۴-۳۸۳) با تلقی شیعیان و جمهوری اسلامی به عنوان رقیب سیاسی و ایدئولوژیک خود، توانسته است از طریق ترکیب ایدئولوژی وهابی و قدرت سیاسی، و با تکیه بر منابع مالی و شبکه‌های ارتباط جمعی دولت عشیره‌ای و اقتدار طلب آل سعود، تهاجمات تبلیغی و سیاسی خصمانه‌ی سنگینی را علیه محور سازمان‌دهی نماید. اقدامات گسترده وهابیان در سراسر جهان اسلام منجر به تولید ادبیات ایدئولوژیک تهاجمی و پشتیبانی عملی از جریان‌های افراطی‌گرا و تکفیری شده است.

فرآیند اقدامات رسانه‌ای و تربیتی وهابیت شبه‌جزیره عربستان، منجر به ظهور و گسترش رهیافت وهابیت ارهابی در جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی شده است. امروزه این رهیافت در حقیقت برآیند استحاله سلفیه از سلفی‌گرایی به افراطی‌گرایی و در نهایت تکفیر‌گرایی است که به‌تنهایی مهم‌ترین نماد مطلق جریان تکفیری شده است. این رهیافت همانند دیوبندی ارهابی به دلیل پشتوانه مالی خود در حاشیه جنوبی خلیج فارس از یک سو و سرمایه‌های انسانی گرفتار در فلاکت فقر و جهل در مناطق مختلف جهان، توانسته است فعالیت‌های هسته‌های پراکنده افراطیون ارهابی جهان اسلام را ذیل پرچم سیاه تکفیر در بخشی از سرزمین شام و عراق جمع و سازمان‌دهی نماید و با ایجاد ساختار حکومتی شبه خلافتی - «داعش» - به نمایش بگذارد.

هرچند این جریان خود را نوسلف‌گرایی می‌داند، ولی واقعیت آن است که آن‌ها اندیشه‌های افراطی - ارهابی خود را به‌طور کامل جایگزین گفتمان سلف نموده است. تا جایی که حتی از اندیشه‌های احمد حنبل به عنوان تکیه‌گاه فقهی خود فاصله بسیار گرفته است. چرا که احمد بن حنبل برخی از گزاره‌هایی که موجب بهانه وهابیت ارهابی برای صدور حکم ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران شده است - مانند: سفر به قصد زیارت پیامبر و اهل بیت - را شرک ندانسته است. (برنجکار، ۱۳۸۹: ۱۴۵) آنان صرفاً ایدئولوژی متحجرانه ابن تیمیه حرانی را دست‌مایه اقدامات خود قرار داده‌اند، به همین دلیل «حامد الگار» و همکارانش نیز در مقام ارزیابی «وهابیت»، ضمن تکیه بر شاخصه بارز آن یعنی «افراطی‌گری» در درک سنت، باعث نگاه تنگ‌نظرانه آنان به «احیای دین» و جهت یافتن به «نوسازی ارزش‌ها از طریق جهاد» می‌دانند. روشی که در نهایت به خشونت و منازعه ختم می‌شود. (الگار و دیگران، ۱۳۶۲: ۳۸)

در مجموع وجود دیدگاه‌های نظری افراطی‌گرایانه وهابی حکومتی و دیوبندی جهادی از یک سو و پشتیبانی عملی دولت سعودی از سوی دیگر زمینه ظهور و توسعه دو جریان تکفیری دیوبندی ارهابی و وهابیت ارهابی شده است که چهره‌ای «افراطی و ترور محور» در جهان اسلام از خود به نمایش گذاشته‌اند. در بین این دو جریان، وهابیت ارهابی به نسبت دیوبندی ارهابی دارای دیدگاه عمل‌گرایانه‌تر و خشن‌تری است که در صحنه میدانی اقدام به نسل‌کشی پیروان سایر ادیان و مذاهب، به ویژه اعضای جوامع عضو محور مقاومت می‌کنند. ابو مصعب زرقاوی اردنی مؤسس گروه «جماعت توحید و جهاد» به عنوان پدر عمل‌گرای داعش، عمر البغدادی رهبر قبلی و ابوبکر البغدادی خلیفه فعلی داعش از جمله مهم‌ترین شخصیت‌های جریان وهابی ارهابی محسوب می‌شود.

۴- ارزیابی امنیتی پدیده تکفیری

تحلیل منطقی از ارزیابی امنیتی هر پدیده اجتماعی - سیاسی، رابطه مستقیم با جانمایی این پدیده در گفتمان‌های امنیتی رایج دارد. با توجه به شناخت ایجادشده از جریان تکفیری و مؤلفه‌های فکری و نمادهای رفتاری این جریان مانند: ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران، دشمنی شدید با سایرین به ویژه محور مقاومت، افراطی‌گرایی در خشونت و... می‌توان جریان تکفیری را حامل گفتمان سلبی با مؤلفه‌هایی چون تمرکزگرایی، پنهان‌کاری، منافع خرد و... دید که منجر به التهاب دائمی و آسیب‌پذیری فضای امنیتی منطقه، امنیت ملی کشورها به ویژه کشورهای عضو محور مقاومت می‌شود.

از نظر نگارنده و با تکیه بر چارچوب ترکیبی جریان تکفیری - شامل هر دو رهیافت - به دلیل ارجحیت «تهدید» در «تحلیل وضعیت امنیتی» دارای گفتمان سلبی نگر است. تکیه آنان بر گفتمان سلبی نگر در حوزه ایده منجر به سلطه‌جویی، تکیه بر منافع جزئی نگر و توجه به بخش عینی عناصر امنیت‌سازی شده است. به همین دلیل ارزیابی امنیتی این جریان در فرآیند امنیت‌سازی محیطی و منطقه‌ای دارای رویکرد غیر مشارکتی، ارجحیت فرقه‌گرایی، اتکا بر جزئی‌نگری و قشری‌گرایی منجر به نفی هرگونه همکاری است. از نظر نگارنده هر دو رهیافت دیوبندی ارهابی و وهابی ارهابی در مواجهه با محور مقاومت در گفتمان و ارزیابی امنیتی مذکور دارای اشتراک هستند و تنها نقطه افتراق آن‌ها در بازتاب فعالیت امنیتی آنان است که در رهیافت دیوبندی ارهابی، شاهد خشونت هدفمند و محدود، ولی در رهیافت وهابی ارهابی شاهد خشونت منتهی به پاک‌سازی و نسل‌کشی هستیم. با این وجود ارزیابی امنیتی این جریان در قالب چارچوب ترکیبی مطابق جدول شماره ۵ می‌باشد:

جدول ۲: ارزیابی امنیتی تکفیر گرای

ارزیابی امنیتی							مؤلفه‌های فکری و نمادهای رفتاری	رهیافت	جریان
بازتاب فعالیت	شاخص مشارکت	مرجعیت منافع	مرجعیت امنیت	فرآیند امنیت سازی	ایده	گفتمان			
خشونت هدفمند و محدود	قشری گرا	جزئی نگر	فرقه‌گرایی	غیر مشارکتی	سلطه‌جو	سلبی نگر	ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران، دشمنی شدید با دیگران، افراطی‌گرایی در خشونت	دیوبندی اربابی	تکفیری
پاک‌سازی و نسل‌کشی	قشری گرا	جزئی نگر	فرقه‌گرایی	غیر مشارکتی	سلطه‌جو	سلبی نگر	ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران، تحمیل ایدئولوژی، دشمنی شدید با دیگران، افراطی‌گرایی در خشونت، نسل‌کشی مذهبی	وهابی اربابی	

با توجه به تطبیق الگوی چارچوب ترکیبی تحلیل امنیتی جریان تکفیری، این پدیده دارای بازتاب‌های امنیتی مشخصی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

بازتاب اول: مجموعه مؤلفه‌های فکری و نمادهای رفتاری جریان تکفیر بازتاب واقعیت تمرکز بر هدف ایجاد و توسعه سلطه نظامی بر حداقل بخشی از سرزمین اسلامی - عراق و شام - به منظور بازگرداندن میراث خلافت دوره‌های گذشته - عباسی و اموی - به هر وسیله ممکن است. بنابراین این جریان وجود الگوی آرمانی «نظریه خلافت» در اندیشه تکفیری حاکی از ارجحیت و اولویت وجه نظری - انتزاعی در سطح ایده امنیتی این جریان است.

بازتاب دوم: تمرکز بر راهبرد شکل‌گیری دولت در ژئوپلیتیک عراق و شام از یک سو و امارت‌های تابعه آن در سایر مناطق جهان اسلام و سعی در تبدیل این راهبرد به یک خواسته عمومی در جوامع اسلامی، نشان از جهت‌دهی آرمان تشکیل خلافت با مقتضیات زمانی و مکانی - مانند: خاورمیانه، شمال آفریقا و

شبه‌قاره هند و حتی مناطق محدود جغرافیایی نظیر جنوب شرق ایران - شده است که خود حاکی از تطبیق آرمان و منافع جریان تکفیری با سطح دوم الگوی ترکیبی دارد.

بازتاب سوم: توجه به توسعه و تعمیق مدل‌های ساختاری و اشکال سازمان‌دهی و شبکه ارتباطی جریان تکفیری به عنوان یک پدیده فراگیر در خاورمیانه و حتی خارج از آن - وجود شبکه‌های تروریستی تکفیری در سراسر جهان - نشان‌دهنده هم‌پوشانی و حمایت‌کنندگی ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شبکه‌های متفرق ولی مکمل جریان تکفیری می‌باشد. بنابراین جریان تکفیری دارای نماد عینی و فیزیکی مشخص متمرکز در اهداف ولی متکثر در اشکال است.

بازتاب چهارم: ایجاد و توسعه نامنی و وحشت از طریق اتکا بر ابعاد سخت‌افزاری - عملیات کشتار جمعی و انتحاری - و از میان بردن زمینه‌های مصالحه با «دگری» - به ویژه محور مقاومت - از یک سو و تأکید بر وجه اجبارآمیز همراهی در حوزه «خودی» از سوی دیگر، جزء لاینفک اعمال سلطه متصلبانه در ذهنیت و رفتار جریان تکفیری محسوب می‌شود. بنابراین ناامن سازی جامعه آماج و توسعه سلطه‌طلبی در جامعه هدف، بازتاب ایده قدرت محوری جریان تکفیری است.

بازتاب پنجم: عمل‌گرایی انحصاری و قشری مبتنی بر قدرت محوری در انگاره‌های ذهنی و نمادهای رفتاری جریان تکفیری باعث خروج از اعتدال در اعمال نظر و رفتار و بی‌توجهی به رضایت مخاطبان شده است. بنابراین منفی‌گرایی متکی بر نگرش سلبی به امنیت باعث توجیه و اقبال روزافزون به روش‌های خشونت‌آمیز و توسل به شیوه‌های قهر آمیز در اعمال خشونت - عملیات «تروریستی» و اقدامات «انتحاری» - در جامعه آماج درونی و بیرونی شده است. از آنجاکه جریان تکفیری، علت وجودی و بقاء خود را در نفی دیگران می‌جوید، از منظر سنجش منافع از یک سو به نگرش‌های قومی و عشیره‌ای - تکیه بر پان عرب‌سیم‌اُسرهای و دوده‌ای - محدود شده و به همین دلیل به صورت مستمر شکاف امنیتی بین آن‌ها و کلیه بازیگران موجود و مؤثر ملی، منطقه‌ای و جهانی تعمیق می‌یابد و از سوی دیگر دچار جزئی‌نگری فرقه‌ای و مذهبی - افراطی‌گرایان دیوبندی و وهابی - شده و امکان تفاهم آنان با سایرین بر سر منافع مشترک مادی و غیرمادی دور از دسترس و غیرممکن می‌نماید.

بازتاب ششم: استفاده گسترده و حرفه‌ای از فناوری‌های نوین ارتباطی برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خودی - عناصر افراطی در جهان اسلام - و توسعه هم‌زمان خشونت و تهدید ناشی از شبکه‌های امنیتی و نظامی - گروه‌های محفلی و سری - جریان تکفیری در سراسر منطقه و جهان از سوی دیگر نشان‌دهنده آن است که مجموعه‌ای از عناصر و شبکه‌های امنیتی پیچیده و فراگیر در کشف و شناسایی پدیده‌های

اجتماعی و فرهنگی اعتراضی - ناراضیتی عراق، سوریه، پاکستان و... - و تبدیل آن به پدیده امنیتی و توزیع نامنی مشارکت دارند.

نتیجه‌گیری:

پدیده تکفیری به عنوان محصول و حاصل نوسلفی‌گرایی افراطی معاصر از یک سو و تدابیر امنیتی مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر قدرت‌های فعال منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به عنوان یک پروژه نامنی ساز از سوی دیگر است که با وجود برخورداری از مؤلفه‌های فکری و رفتاری خاص مانند: ارتداد و مهدورالدم شمردن دیگران، دشمنی شدید با سایرین، افراطی‌گرایی در خشونت و... در دسته‌بندی‌های موجود از منظر امنیتی جزء گفتمان سلبی نگر با ایده سلطه‌طلبانه جانمایی می‌شود. این جریان تحت تأثیر گزاره‌های مذکور تعامل با سایرین و به ویژه محور مقاومت را بر اساس مرجعیت منافع جزئی نگر، قشری و افراطی درون فرقه‌ای خود بازتعریف می‌کند به همین خاطر این پدیده افراطی ایده اعمال حداکثر قدرت سخت افزارانه را فارغ از بازتاب تخریبی یا ترمیمی آن در جامعه جهانی و یا افکار عمومی پیگیری می‌نماید. از نظر نگارنده جریان تکفیری شامل دو رهیافت دیوبندی ارهابی در شبه‌قاره و وهابی ارهابی در جهان اسلام است که به رغم تشابهات متعدد فکری و رفتاری، اما بازتاب امنیتی اقدامات تهاجمی تروریستی آنان در برابر سایرین به ویژه محور مقاومت یکسان ارزیابی نمی‌شود. بدین معنا که فعالیت رهیافت دیوبندی ارهابی، اقدام تروریستی هدفمند و بازتاب محدود است، ولی فعالیت رهیافت وهابی ارهابی مبتنی بر اقدام تروریستی گسترده، نامحدود و دارای بازتاب منتهی به نسل‌کشی است.

با تکیه بر چارچوب تحلیلی و ارزیابی امنیتی پدیده تکفیری می‌توان گفت که این پدیده با هدف مدیریت توحش منجر به فروپاشی روانی و مقاومت‌شکنی جوامع آماج خود، از فرصت فناوری نوین نظیر رسانه‌های اجتماعی برای انتشار فراگیر نمادهای خوف‌آفرین و وحشت‌ساز - وحشیگری در کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی - استفاده می‌نماید. آن‌ها تحت تأثیر مبانی فکری و اندیشه‌ای و هادیان راهبردی امنیتی خود، به تلقی تنگ‌نظرانه و محدود و محصور از جامعه فرقه‌ای «خود» در برابر دیگران رسیده‌اند و به همین سبب بین «خود» و «دیگری» - به ویژه محور مقاومت - مرزبندی خونین ایجاد می‌کنند که نتیجه آن تشدید خصومت ایدئولوژیک از طریق اعمال مدیریت توحش با هدف هدم و حذف جامعه «دیگری» است. بنابراین پدیده تکفیری، بیش از آن که یک پدیده اجتماعی - مذهبی باشد یک پدیده امنیتی سلبی نگر است که برای رسیدن به اهداف سلطه‌جویانه خود و در ذیل پروژه قدرت‌های سلطه‌گر، استفاده از هرروش و ابزار را مجاز و مشروع تلقی می‌کند.

منابع:

- اسپوزیتو، جان ل. (۱۳۸۸)، *دایره المعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه و تحقیق و تعلیق زیر نظر حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران: نشر کتاب جامع.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۰)، *ارزش (ضد) امنیتی بنیادگرایی؛ با تأکید بر نهضت سلفی - وهابی*، کتاب مجموعه مقالات؛ بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بردی نشین، محمد، (۱۳۹۳)، *ردپای داعش، ریشه‌ها و اندیشه‌ها، راهکارهای مهار و مقابله*، مجموعه مقالات ردپای داعش، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز امامت.
- باقری چوکامی، سیامک، (۱۳۹۳)، *ارزش ضد امنیتی جریان سازی افراط و تکفیر با تأکید بر تئوری جنگ تمدن‌ها*، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده امام هادی (ع)، شماره پیاپی ۱۱.
- برنجکار، رضا، (۱۳۸۴)، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم: کتاب طه.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰) *تاریخ فرهنگی سلفیه: از متن گرایی تا زمینه گرایی*، کتاب مجموعه مقالات؛ بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، مترجم: ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و دیگران، (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- البوطی، محمد سعید رمضان، (۱۴۱۱)، *السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب اسلامي*، دمشق، دارالفکر.
- بیگلری، محمد، (۱۳۸۱)، *بررسی ژئوپلیتیک پاکستان بر امنیت ج.ا. ایران*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پاشاپور یووالاری، حمید، (۱۳۹۳)، *یک گزارش از چیستی تاریخی و جامعه‌شناختی داعش*، مجموعه مقالات ردپای داعش، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز امامت.

پای، لوسین و دیگران، (۱۳۸۰)، *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلام‌رضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی، (۱۳۸۷)، *بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها*، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، توماس، کارولین، (۱۳۸۲)، *حکومت جهانی: توسعه و امنیت انسانی*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، *ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت*، قم: مرکز نشر اسراء.
 خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، *جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها*، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین.
 خسروی، غلام‌رضا، (۱۳۸۴)، *حسن بنا، در علی‌اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)*، تهران: جهاد دانشگاهی.

رضوانی، علی‌اصغر، (۱۳۹۳)، *تکفیر از دیدگاه علمای اسلام*، به سفارش کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت (ع).
 روزنا، جیمز، (۱۳۸۴)، *آشوب در سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: روزنه.
 سبحانی، جعفر، (۱۳۸۸)، *وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
 عدالت نژاد، سعید، (۱۳۹۲)، *سلفیان تکفیری چه کسانی هستند و چه عقایدی دارند*، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۶۴۷.

عمار، عبدالمجید، (۱۳۹۳)، *خطر گروه‌های تکفیری علیه اسلام و مسلمانان*، جلد چهارم مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت (ع).
 عنایت، حمید، (۱۳۶۲)، *تفکر نوین سیاسی اسلام*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
 فرمانیان، مهدی، (۱۳۸۹)، *آشنایی با فرق تشیع*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
 فیرحی، داود، (۱۳۹۳)، *ظهور افراطی‌گرایی*، انصاف نیوز.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
 کاظم‌زاده، احمد، (۱۳۹۴)، *بررسی زمینه‌های و اهداف اعلامی و غیراعلامی داعش و ائتلاف ضد داعش*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ماهنامه فرهنگ اسلامی، سال دوم، شماره ۲۰ / ۲۱، اسفند ۱۳۹۳ / فروردین ۱۳۹۴.

الگار، حامد، (۱۳۸۷)، *وهابی‌گری*، ترجمه: احمد نمایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- الگار، حامد و دیگران، (۱۳۶۲)، *نهیضت بیداری در جهان اسلام*، ترجمه سید مهدی جعفری، تهران: شرکت سهامی انتشار و انتشارات فرهنگ.
- گیلبوآ، ایتان، (۱۳۸۸)، *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- مرادی، مجید، (۱۳۸۴)، «*سید قطب*»، در: اندیشه سیاسی در جهان اسلام (ج ۲)، علی‌اکبر علیخانی و همکاران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مرکز تحول نیروی وزارت دفاع آمریکا، (۱۳۸۷)، *ترسیم فضای پرابهام جنگ‌ها و منازعات آینده*، ترجمه مصطفی مهرورزی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، (۱۳۹۳)، *ماهیت و جایگاه جریان‌های سلفی در کشورهای اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- نجفی، موسی، (۱۳۷۷)، *تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- نظامی پور، قدیر و احمد مزینانی، (۱۳۹۱)، *پارادایم شناسی فعالیت‌های پنهان سازمان‌های اطلاعاتی در فضای سایبری*، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده امام هادی (ع)، شماره ۳.
- هانی، ادريس، (۱۳۹۳)، *تکفیر تکفیریان؛ خشونت تکفیری، در خدمت استعمار نوین*، جلد چهارم مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البیت (ع).
- هوشنگی، حسن، (۱۳۹۰)، *زمینه‌های اجتماعی رشد بنیادگرایی و سلف‌گرایی در عصر مدرن در جهان اسلام*، کتاب مجموعه مقالات؛ بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

Kepel, Gilles (2002), *Jihad: The Trail of Political Islam*, Massachusetts: Harvard University Press.

<http://alvandkhabar.ir/shownews.php?idnews=70271>

<http://www.iwpeace.com/articles/10701>

